

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سارا نیکو
۰۳ جون ۲۰۱۶

شلاق سرمایه بر پیکر کارگران !

رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی در اواخر اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۵ ، حکم شلاق ۱۷ کارگر اخراج شده معدن طلای "آق دره" واقع در آذربایجان غربی را که در جریان اعتراضات دی ماه [جدی] سال ۹۳ به خاطر اخراج بیش از ۳۵۰ تن از همکاران خود دست به تجمع زده بودند، به مرحله اجراء در آورد و بار دیگر ددمنشی و جنایت پیشگی خود را به همگان نشان داد.

البته این اولین باری نیست که کارگران معترض به جرم درخواست حقوق اولیه و عادلانه خویش به تحمل ضربات شلاق محکوم می شوند ، منتهی دیکتاتوری حاکم با اجرای چنین حکم تبهکارانه ای نشان داد که علی رغم همه تلاشی که در سطح جهانی برای بزک کردن چهره کریمه خویش با پوشش های اصلاح و تغییر و امید و تدبیر در انظار بین المللی می کند ، وقتی پای منافع مادی خود و مبارزات و مطالبات بدیهی کارگران و زحمتکشانش در میان است ، از هیچ جنایت قرون وسطایی در حق آنان کوتاهی نمی کند و از این روست که ۱۷ کارگر زحمتکش معدن در میان اوج نفرت مردم به ۳۰ تا ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم شده و برخی از آنان مجبور به پرداخت ۵۰۰ هزار تومان جریمه نقدی گشتند. شلاقی که بر پیکر محروم و رنج دیده و گرسنه کارگران "آق دره" و خانواده های شان فرود آمد نه به خاطر ایجاد بلوا توسط کارگران و یا سایر اتهامات رسوای کارفرمایان علیه آن ها ، بلکه به خاطر قدرت نمایی و نمایش اراده دژخیمان حاکم برای خفه کردن هر گونه تلاش به منظور احقاق حقوق انسانی کارگران است. این شلاق کثیف سرمایه بر پیکر کارگران محرومی ست که تنها خواهان حقوق صنفی و انسانی خود شده اند. این اقدام ضد خلقی لکه ننگی ست که هیچ گاه از دامن رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی پاک نخواهد شد.

معدن طلای "آق دره" دومین معدن طلای ایران و یکی از بزرگ ترین معادن طلا در خاورمیانه می باشد که بیش از ۳۰ تن ذخیره طلا دارد. در ۶ دی ماه [جدی] سال ۱۳۹۳ شرکت "پوپا زرکان" که پیمان کار اصلی معدن طلای "آق دره" می باشد ، ۳۵۰ نفر از کارگران زحمتکش را به بهانه این که قرارداد شان تمام شده از کار اخراج کرد. این اخراج با اعتراض حق طلبانه سایر کارگران مبارز روبه رو شد و بلافاصله عمال سرمایه داران به سرکوب آن ها پرداختند. در آن روز ۳ کارگر در اعتراض به سرکوب آنان توسط نیروهای نگهبانی در معدن ، دست به خودکشی زدند که با کمک و مدد رسانی سایر کارگران از مرگ نجات یافتند. کارفرمایان معدن با توجه به نفوذ شان در دستگاه

قضائی رژیم ، کارگران مبارز را به ایجاد جنجال و اغتشاش در محیط کار و تخریب اموال شرکت و "بی احترامی" به نگهبان شرکت متهم کردند که تمام این "جرایم" از سوی دستگاه قضائی فاسد جمهوری اسلامی به سود کارفرما پذیرفته شدند و علیه کارگران اعلام جرم شد.

ولی چرا رژیم جمهوری اسلامی در شرایط کنونی با همه بحران هائی که با آن روبه روست دست به چنین جنایت دهشتناکی زده و در حالی که کارگران را در خیابان به شلاق می بندد ، با وقاحت تمام به پخش تصاویر این جنایت نیز اقدام می کند؟ پاسخ را می توان در شرایط بحرانی که این رژیم ددمنش در آن احاطه شده است، پیدا کرد.

رژیم جلاد جمهوری اسلامی درست همانند سال های اولیه به قدرت رسیدنش ، یعنی در زمانی که روحیه انقلابی فضای جامعه را احاطه کرده بود و جامعه دارای پتانسیل قوی مبارزاتی بود ، برای به عقب راندن توده ها و ایجاد فضای رعب و وحشت و نا امیدی ، دست به جنایات وحشتناکی زده و اختناق را در هر گوشه ای از جامعه مستولی کرد. هر جا که کوچک ترین نشانه ای از دادخواهی و ترقی دیده می شد از طرف جمهوری اسلامی به شدت سرکوب می شد. در آن زمان سردمداران جمهوری اسلامی نه تنها هیچ تلاشی در جهت پنهان نگه داشتن جنایات خود نمی کردند، بلکه در بوق و کرنا و در ملاء عام وسیعاً خبر اعدام جوانان و نوجوانان ، زنان باردار و هم چنین دیگر وحشی گری های خود در خیابان ها را با آب و تاب و به کمک آیات و احادیث مذهبی در سطح عمومی در جامعه پخش می کردند. هدف شان آن بود که با ایجاد فضای رعب و وحشت در میان مردم ، آن ها را از مبارزه باز دارند. امروز نیز می بینیم که چگونه این رژیم در حالی که برای نشان دادن چهره "مدنی" و به اصطلاح اصلاح طلب از خود در سطح جهانی میلیون ها دالر هزینه می کند ، در همان حال خودش اخبار مربوط به دستگیری و زندان فعالان سیاسی را پخش می نماید ، و یا در هر گوشه ای از ایران ، در ملاء عام اعدام های خیابانی بر پا می کند.

در چنین شرایطی یعنی در شرایط تشدید فقر و گرسنگی و بی خانمانی و اوج یابی اعتراضات به حق کارگران است که جمهوری اسلامی خبر شلاق زدن ۱۷ کارگر معدن را با عکس های بدن های مجروح شان ، که قطعاً مورد نفرت مردم آزاده جهان قرار می گیرد، در همه رسانه های خود وسیعاً منعکس می نماید. این بار رژیم دشمن اصلی خود یعنی کارگران را مورد چنین توحشی قرار داده تا بتواند به خیال خام خود پیامی را به دیگر کارگران معترض منتقل کرده و مبارزات کارگری را به عقب نشینی و سکوت وادار کند. رژیم با زهر چشم گرفتن از کارگران "آق دره" در واقع می خواهد درس عبرتی به کل جامعه بدهد. اما این جانپان نشسته در کاخ های شان ، گویی نمی دانند که طبقه کارگر ایران با چنین جنایت هر چند کریه و رسوائی به عقب نخواهد نشست ، چرا که در حقیقت میلیون ها تن از کارگران محروم و خانواده های شان هر روز شلاق فقر و گرسنگی و تحقیر سرمایه را بر پوست و گوشت خود لمس می کنند و در نتیجه زیستن در چنین شرایطی ، هر لحظه از زندگی شان با درد و رنج و شکنجه می گذرد و به همین دلیل هم آن ها به طور ملموس چیزی برای از دست دادن ندارند ، به جز زنجیرهای بندگی که سرمایه داران بر گردن شان افکنده اند.

توسل به جنایت اخیر در حق کارگران شریف و زحمت کش "آق دره" توسط جمهوری اسلامی به مثابه رژیم حافظ منافع سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم ایران که امروز در اوج گنبدگی خود به سر می برد آشکارا بیانگر درماندگی این رژیم در مقابل رشد و گسترش مبارزات کارگران در اقصی نقاط ایران می باشد. آن ها با چنین اعمال جنایتکارانه که البته اولین بار هم نیست که به آن متوسل می شوند ، بذر خشمی طوفان زا در دل کارگران و همه توده های رنجیده ایران می کارند. بی شک این جنایت جمهوری اسلامی بی پاسخ نخواهد ماند و این بذر خشم دیر یا زود ثمره طوفان زای خود را علیه این رژیم و سرمایه داران خون خوار به بار خواهد آورد.

اقدام جنایتکارانه جمهوری اسلامی همچنین شلاقی بر پیکر اندیشه ها و ایده های مخرب و باطلی ست که از سوی نیروهای فرصت طلب و سازشکار به طور روزمره در مقابل کارگران به جان آمده ، تبلیغ شده و راه رسیدن به خواست های اساسی و به حق آن ها را در چارچوب نظام هار و دیکتاتور حاکم ، امکان پذیر جلوه می دهند. شلاق زدن کارگران معدن طلای "آق دره" به مثابه یک جنایت عریان ، بار دیگر نشان داد که جمهوری اسلامی حتی تحمل مبارزات صنفی کارگران را ندارد و تنها با اعمال دیکتاتوری لجام گسیخته قادر است به بقای منحوس خود ادامه دهد. این واقعیت بیانگر افشای چهره فرصت طلبانی است که با نادیده گرفتن چنین دیکتاتوری شدیداً و وسیعاً قهر آمیز ، کارگران را مثلاً به "نافرمانی مدنی" در مقابله با جلادان تا بن دندان مسلح جمهوری اسلامی تشویق می کنند. آن ها به واقع فریب کارانی هستند که می کوشند مسیر مبارزاتی کارگران را از کانال های انقلابی منحرف سازند. در حالی که تنها راه پایان بخشیدن به جنایات و همه مصائب اجتماعی که هر روزه در هر گوشه ای از ایران شاهد آن هستیم ، مبارزه جهت سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی با همه جناح های درونی آن می باشد. کارگران مبارز ایران گورکنان نظام گنبدیده سیستم سرمایه داری وابسته خواهند بود که این رژیم برای حفظ و تداوم آن از اعمال هیچ وحشی گری روی گردان نیست. این واقعیت را باید باور کرد و با همه توان کوشید تا کارگران را در انجام این رسالت تاریخی یاری رساند.

۲۹ می ۲۰۱۶